

**تحلیل سیاسی هفته (۷۷)**  
**ملاحظات ناظر بر مخالفت آمریکا با اعلام نماینده جدید ایران**  
**در سازمان ملل متحد**

**مقدمه**

مطابق عرف دیپلماتیک و رویه حقوقی، کشورها به صلاحدید خود اقدام به معرفی نماینده یا نمایندگان در سازمان‌های بین‌المللی می‌نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز در همین راستا آقای حمید ابوطالبی را به‌عنوان نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد معرفی کرده است. از آنجا که مقر دائمی سازمان ملل متحد در خاک آمریکاست، این کشور موظف است به موجب قواعد حقوق بین‌الملل عمومی، فارغ از ملاحظات منافع ملی خود و براساس الزامات و اقتضائات جامعه بین‌المللی به صدور ویزا برای نمایندگان معرفی شده از سوی کشورهای عضو سازمان ملل مبادرت ورزد. بدیهی است که اصلی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق هر کشور عضو در این سازمان، داشتن نماینده یا نمایندگانی است که منافع کشور متبوع خود را پیگیری کرده و نظرات و مواضع دولت متبوع خود را در سطح بین‌المللی انعکاس دهد. تعیین صلاحیت و معرفی افراد نماینده به سازمان ملل نیز برعهده هریک از کشورهای عضو است تا مطابق ملاحظات خود تصمیم‌گیری کنند. با وجود چنین چارچوب‌های حقوقی و سیاسی روشن، آمریکا از صدور روایید برای نماینده معرفی شده ایران خودداری کرده و دلیل این اقدام را نیز به رویدادی تاریخی یعنی تصرف سفارت این کشور در تهران در سال ۱۳۵۸ نسبت می‌دهد. حمید ابوطالبی در اوایل انقلاب به‌عنوان مترجم جریان تسخیر لانه جاسوسی با انقلابیون همکاری داشته و این امر بهانه‌ای برای موضع‌گیری غیرقانونی و حقوقی از جانب آمریکایی‌ها شده است. این درحالی است که اقدام ایالات متحده فاقد وجهت قانونی و دیپلماتیک می‌باشد. از این رو، شناخت انگیزه‌های واقعی ایالات متحده و بایسته‌های سیاستگذاری جمهوری اسلامی در اتخاذ مواضع درست و کارآمد مثمرتر خواهد بود.

**۱. جایگاه حقوقی اقدام ایالات متحده آمریکا**

از منظر حقوق بین‌الملل سؤال اساسی این است که ایالات متحده بر مبنای چه ضابطه و معیاری از صدور روایید برای نماینده جدید ایران جلوگیری نموده است و آیا اساساً چنین مبنایی وجود دارد یا خیر؟ در ارزیابی این مسئله باید گفت که اصلی‌ترین سند در تحلیل این وضعیت، موافقتنامه آمریکا و سازمان ملل در خصوص مقر سازمان ملل (موافقتنامه مقر) است که در سال ۱۹۴۷ به تصویب مجمع عمومی و امضای نمایندگان دو طرف رسیده و نیز کنوانسیون مصونیت و مزایای ملل متحد می‌باشد که در ۱۳ فوریه ۱۹۴۶ به تصویب مجمع عمومی رسیده است (کنوانسیون عام).

در این توافقنامه‌ها از مسائل مختلفی صحبت به میان آمده است. بخش مرتبط با مسئله مطرح شده بخش ۴ موافقتنامه است که با عنوان «ارتباطات و نقل و انتقال» به این مسئله پرداخته است. قلمرو مکانی مقر ملل متحد در ماده (۱) موافقتنامه و به موجب ضمیمه شماره ۱ آن تعیین شده است. براساس بند «الف» ماده (۷)، مقر ملل متحد تحت اقتدار و کنترل ملل متحد است. براساس بند «ب» ماده (۷) قوانین ایالتی و فدرال ایالات متحده در این قلمرو اعمال می‌شود. براساس بند «پ» همین ماده نیز صلاحیت قضایی دادگاه‌های ایالات متحده نسبت به محدوده این مقر و وقایع آن به رسمیت شناخته شده است مگر در موافقتنامه مقر یا موافقتنامه عمومی به نحو دیگری مقرر شده باشد. البته در تمام موارد دادگاه‌های ایالات متحده باید به مقررات ملل متحد براساس قسمت ۸ همین موافقتنامه توجه نمایند. بنابراین اصل بر اعمال سرزمینی قوانین و اعمال صلاحیت قضایی ایالات متحده در محدوده مقر می‌باشد.

یکی از مهمترین استثنائات اصل حکومت قانون و صلاحیت قضایی ایالت متحده بخش ۴ توافقنامه مقرر است. ماده (۱۱) در این بخش مقرر می‌نماید که ایالات متحده نباید در فرآیند «ارتباطات و نقل و انتقال» نمایندگان و هیئت‌های دیپلماتیک خلل و مانع ایجاد نماید. سپس در ماده (۱۲) چنین اعلام می‌کند که مناسبات کشور متبوع هیئت نمایندگی و ایالات متحده بر تعهد پیشگفته ایالات متحده بنا بر ماده (۱۱) تأثیری نمی‌گذارد و نباید مؤثر باشد. در ماده (۱۳) نیز چنین آورده شده است که قوانین ایالات متحده در زمینه ورود و خروج بیگانگان نیز نمی‌تواند و نباید در این فرآیند خللی ایجاد کند - مگر اعمال معقول و متناسب قوانین بهداشتی و قرنطینه - و در ذیل بند «الف» این ماده به تصریح مقرر می‌دارد چنانچه صدور روادید در موردی لازم باشد ایالات متحده بی‌درنگ و در اسرع وقت باید روادید لازم را صادر نماید. در بند «ب» نیز همین وضعیت را برای اقامت نمایندگان مقرر می‌دارد. البته کلیه حقوق ایالات متحده در کنترل ورود و خروج افراد و اموال بنا بر بندهای پایانی این ماده محفوظ است لکن این حقوق تنها براساس محدوده و چارچوب بندهای «۱» این ماده که مفاد آن تبیین شد قابل اعمال می‌باشد.

رویه‌های جاری از ابتدای شکل‌گیری سازمان ملل نیز مؤید دیدگاه مذکور است. بر این اساس آمریکا تاکنون هیچگاه با صدور روادید برای نمایندگان ایران در سازمان ملل مخالفت نکرده، هرچند که محدودیت‌هایی را برای خروج آنها از نیویورک در نظر گرفته است. از سوی دیگر ویزای آمریکا با وجود مخالفت شدید کنگره برای افرادی مانند فیدل کاسترو، معمر قذافی و رابرت موگابه صادر شده است. آمریکا تنها یک بار با صدور ویزا برای رهبر یک کشور مخالفت کرد آن هم به سال ۱۹۸۸ باز می‌گردد که آمریکا به یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین ویزا نداد و موجب شد ۱۵۱ کشور در سازمان ملل اقدام آمریکا را محکوم کنند. آنها در بیانیه خود خاطرنشان کردند که آمریکا قوانین بین‌المللی را به‌عنوان کشور میزبان سازمان ملل نقض کرده است. تنها آمریکا و اسرائیل بودند که به این قطعنامه رأی منفی دادند.

نحوه بیان مواد موافقتنامه مقر و نیز عملکرد خود ایالات متحده و نیز مواضع کشورها در خصوص این عملکرد مبین این واقعیت است که شخصیت حقوقی مستقل سازمان ملل متحد به‌عنوان بزرگترین سازمان جهانی و تنها سازمان جهانی با صلاحیت عام که در ماده (۱) موافقتنامه عام از آن یاد شده است مستلزم استقلال این سازمان در اعمال و وظایفش می‌باشد و ایالات متحده نیز با آگاهی از این واقعیت میزبانی مقرر ملل متحد را پذیرفته است. حال با عنایت به مفاد صریح بخش ۴ موافقتنامه مقر که آمریکا را از اعمال هرگونه صلاحیت در خصوص نمایندگان دیپلماتیک باز می‌دارد باید اذعان داشت که عملکرد ایالات متحده چنانچه با امضای ریاست جمهور این کشور به مرحله اجرا در آید بی‌شک نقض تعهدات بین‌المللی این کشور در قبال سازمان ملل متحد و نیز کشور عضو آن یعنی در مورد حاضر ایران خواهد بود. حل این مسئله به‌طریق حقوقی هم مستلزم اقدام از ناحیه سازمان ملل است زیرا حق مصونیت و مزایای سازمان که به واسطه سازمان به اعضا تعلق می‌گیرد نقض شده و براساس ماده (۸) و (۲۱) توافقنامه مقر در صورت عدم حل و فصل اختلاف از طرق مذاکره و مشورت دآوری هیئت سه نفره در این خصوص فصل‌الخطاب خواهد بود.

## ۲. انگیزه‌های ایالات متحده آمریکا

مهمترین نکات در خصوص انگیزه‌های آمریکا در اتخاذ اقدام غیرقانونی و خلاف موازین دیپلماتیک که از صدور ویزا برای آقای ابوطالبی خودداری به عمل آورد، بدین شرح می‌باشند:

### ۲-۱. تداوم جایگاه هژمونیک در نظام بین‌الملل

این اقدام مؤلفه‌های استراتژی ایالات متحده را هم در قبال ایران و در قبال نظام بین‌الملل آشکارا نشان می‌دهد. مبنای این استراتژی تشدید فشارها بر ایران هم به لحاظ سطح، هم به لحاظ عمق و هم به لحاظ گستره می‌باشد و هدف نهایی نیز معطوف به حفظ و تداوم جایگاه هژمونیک و چیره‌جویانه ایالات متحده در نظام بین‌الملل می‌باشد.

## ۲-۲. تلاش آمریکا برای بهره‌گیری از رویدادهای اختلاف برانگیز تاریخی

یکی از استراتژی‌های سنتی آمریکا بهره‌گیری از اختلافات تاریخی در خاک کشورهای دیگر و مصادره این رویدادها به نفع خود می‌باشد. در این مورد نیز آمریکا از رویدادی تاریخی یعنی اشغال سفارت آن در تهران که از موضوعیت بحث در این قالب خارج شده است به‌گونه‌ای بهره‌برداری می‌کند تا با محدودسازی ایران اهداف خود را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به پیش برد.

## ۲-۳. تلاش آمریکا برای معرفی ایران به‌عنوان کشور ناقض حقوق بین‌الملل عمومی

آمریکا تلاش دارد تا ایران را به‌عنوان کشوری معرفی کند که ناقض حقوق بین‌الملل بوده و افراد (عناصر نامطلوب) را در بدنه دیپلماسی خود به‌عنوان دیپلمات به‌کار گرفته و به سایر کشورها اعزام می‌کند. هدف آمریکا القای این موضوع به جهانیان است که جمهوری اسلامی در صدد است تا از این طریق سیاست‌های غیرقانونی و خلاف حقوق بین‌الملل را به اجرا گذارد.

## ۲-۴. تلاش آمریکا در راستای بازتولید گفتمان تروریسم دولتی

آمریکا مترصد آن است که با فرصت‌سازی بار دیگر گفتمان تروریسم دولتی را احیا کرده و ایران را به‌عنوان بارزترین و تهدیدآمیزترین مصداق آن به جهانیان معرفی نماید. در واقع، مشخصاً اقدام اخیر آمریکا معطوف به تخریب جبهه سپاه قدس و جلوه دادن آن به‌عنوان یک نهاد تروریستی دولتی در ایران می‌باشد.

## ۲-۵. تلاش آمریکا برای گسترش دامنه خصومت‌ها

اختلاف ایران و آمریکا موضوعات متعددی را دربرمی‌گیرد و بر این اساس بسیاری از تحلیلگران آمریکایی به دولتمردان خود توصیه می‌کنند این موضوعات را به شیوه جدای از هم نمی‌توان با ایران حل کرد، چرا که موضوعات اختلاف‌برانگیز مجموعه‌ای درهم تنیده و غیرقابل تفکیک می‌باشند. در همین راستا به نظر می‌رسد که هدف آمریکا گسترش دامنه اختلافات و خصومت‌ها از هسته‌ای به حقوق بشر، از حقوق بشر به تروریسم، و از تروریسم به کلیت دیپلماسی کشورمان می‌باشد.

## ۲-۶. تلاش برای تنزل دادن وجهه ایران در سازمان ملل متحد

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر فنون دیپلماسی و براساس استراتژی کلان حسن نیت خود را در راستای حل و فصل اختلافات با آمریکا به نمایش گذارده است و از این رو، اعتبار و وجهه‌ای در خور توجه در جامعه جهانی کسب نموده است. در این شرایط تلاش آمریکا معطوف بدان است که با بهره‌گیری از قدرت نهادی خود در سازمان ملل متحد، وجهه و اعتبار ایران را با دستمایه قرار دادن واقعه‌ای تاریخی تنزل دهد.

## ۲-۷. تلاش آمریکا برای هنجارسازی دیپلماتیک

آمریکا یکی از اهداف برگزیده خود را هنجارسازی بین‌المللی قرار داده است، هنجارهایی که بر مبنای منافع ملی این کشور ساخته و پرداخته شوند. ایالات متحده در این چارچوب، منافع ملی خود را به منافع جامعه جهانی تبدیل می‌کند و سعی دارد آن را به سایر کشورها نیز القا کند.

## ۲-۸. تلاش آمریکا برای تقویت نفوذ و سیطره خود در سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد به‌عنوان جهانشمول‌ترین سازمان بین‌المللی با مهمترین کارکرد بین‌المللی در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی، کانون مهمی جهت طرح نظرات و پیشبرد اهداف و سیاست‌های کشورهای است. به همین دلیل ایالات متحده آمریکا در تلاش است تا با اقداماتی نظیر آنچه اخیراً در قبال ایران اتخاذ کرده، به تقویت نفوذ خود در سازمان ملل متحد و القای سیطره خود بر این سازمان مبادرت ورزد.

## ۲-۹. تلاش آمریکا برای رویه‌سازی در سازمان ملل متحد

آمریکا ضمن اینکه به هنجارسازی همت گمارده، رویه‌سازی در سازمان ملل را نیز در دستور کار خود قرار داده است. به این معنا که تلاش می‌کند تا تصمیمات سیاست خارجی خود را جایگزین قواعد مسلم حقوق بین‌الملل عمومی سازد. اقدامات هماهنگ به موقع قوای مجریه، مقننه و قضائیه آمریکا و تکاپوی آنها به لحاظ مشروعیت بخشی به این موضع و اقدام عملی دولت آمریکا نشان می‌دهد که هیئت حاکمه

آمریکا تلاش دارد تا از طریق روندهای تقنینی، اجرایی و قضایی داخلی، حقوق داخلی خود را بین‌المللی کند و به بیان بهتر، حقوق آمریکایی بر فراز حقوق بین‌الملل بنشیند.

### ۳. بایسته‌های سیاستگذاری ایران

#### ۳-۱. اقدام در سطح دیپلماسی رسمی

هرگونه اقدامی در این زمینه مستلزم پیگیری مسئله در سازمان ملل متحد و به‌طور خاص در مجمع عمومی ملل متحد و کمیسیون حقوق بین‌الملل عمومی است. مواضع جمهوری اسلامی در این نهادها و ارکان بر این مبنا استوار خواهد بود که بحران گروگانگیری هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ حقوقی پرونده‌اش به موجب قرارداد الجزایر مختومه اعلام شده است و اعتبار امر مختومه را دارد. از این رو، استناد به افراد دخیل در آن نوعی بهانه‌گیری سیاسی است که وجهه قانونی ندارد. همچنین می‌توان بر این نکته تأکید کرد که آمریکا در این زمینه به دنبال سیطره‌طلبی جهانی از طریق گسترش دامنه تعریف امنیت ملی آمریکا است.

#### ۳-۲. اقدام در سطح دیپلماسی عمومی

اقدام در این سطح معطوف به برنامه‌سازی و اطلاع‌رسانی رسانه‌ای با هدف شفاف‌سازی در زمینه بحران گروگانگیری و توافقی‌های بعد از آن میان ایران و ایالات متحده در قالب موافقتنامه الجزایر است. از آنجا که یکی از ارکان سیاست خارجی آمریکا را دیپلماسی عمومی و تصویرسازی به‌ویژه در ارتباط با ایران تشکیل می‌دهد، استراتژی جبرانی در این راستا نیز فعال‌سازی دیپلماسی عمومی است تا به خنثی‌سازی تصاویر مخدوش جعلی ایران بپردازد.

#### ۳-۳. اقدام در سطح متقابل

در اولویت سوم اقدام متقابل جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. این سطح به اقدام متقابل ایران در مورد افراد و نهادهای دخیل در کودتای ۲۸ مرداد و فاجعه سقوط هواپیمای ایرباس اشاره دارد. شفاف‌سازی این اقدامات آمریکا که نقض فاحش حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه به شمار می‌آید، می‌تواند همچون اهرم فشاری جهت محدودسازی دامنه تحرکات آمریکا عمل کند.

### نتیجه‌گیری

در زمان تشکیل سازمان ملل متحد، ایالات متحده آمریکا مطابق یک سند رسمی و معاهده بین‌المللی تضمین کرده بود که به تمامی نمایندگان کشورها مجوزهای لازم را جهت حضور در خاک این کشور برای شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی سازمان ملل یا استقرار در دفاتر نمایندگی خود در سازمان را اعطا کند. این در حالی است که از همان سال‌های آغازین تشکیل این سازمان تا به امروز شاهد عهدشکنی‌های بسیاری در خصوص عدم ارائه مجوزهای لازم جهت حضور نمایندگان کشورها در سازمان ملل بوده‌ایم. مطابق قوانین بین‌المللی و منشور ملل متحد هر ملت آزاد و مستقلی می‌تواند در این سازمان عضو و نماینده معرفی کند و براساس حقوق دیپلماتیک، آمریکا موظف به ارائه روایت و تدابیر امنیتی جهت حفاظت از نمایندگان و دیپلمات‌ها است، لذا عدم ارائه مجوزهای لازم و کارشکنی در این خصوص به علت سابقه تاریخی بدون شک نقض آشکار حقوق بین‌الملل عمومی و لذا فاقد مشروعیت محسوب شده و نشان‌دهنده اهداف و مطامع سیاسی ایالات متحده است.

